



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: اوامر

تاریخ: ۲۶/مهر/۱۳۹۶

موضوع جزئی: مباحث مقدماتی - واجب نفسی و غیره - تنبیهات -

مصادف با: ۲۷ محرم ۱۴۳۹

تنبیه دوم: ترک واجب غیره که منجر به ترک واجب

نفسی شود - بررسی کلام محقق اصفهانی - تنبیه سوم

سال نهم

جلسه: ۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشت

عرض کردیم یکی از تنبیهاتی که در بحث مربوط به ثواب و عقاب در واجب غیره مطرح است این است که اگر قائل شدیم واجب غیره ثواب و عقاب مستقل ندارد، آن گاه چنان چه واجب غیره ترکش موجب ترک واجب نفسی در ظرف امتثال خودش شود این جا آیا زمان استحقاق عقاب از زمان ترک مقدمه است، یا از زمان ترک واجب نفسی؟ مثل این که اگر کسی در ماه رمضان غسل قبل از فجر را ترک کند و به خاطر ترک این غسل نتواند روزه بگیرد به خاطر ترک غسل مستحق عقاب نیست بلکه استحقاق عقاب بخاطر ترک روزه است ولی بحث در این است که این شخص از چه زمانی استحقاق عقاب پیدا می کند؟ از زمانی که غسل را ترک کرد یا از اول فجر که باید روزه بگیرد و الان نمی تواند روزه بگیرد. دو نظر این جا وجود دارد:

۱. عده ای مانند محقق خراسانی می گویند از زمان ترک مقدمه و واجب غیره استحقاق عقاب حاصل می شود.

۲. عده ای می گویند از زمان ترک واجب نفسی مستحق عقاب می شود.

مبنای این دو نظر نیز بیان شد که چرا محقق خراسانی می گویند استحقاق عقاب از زمان ترک غسل محقق می شود و چرا گروه دوم می گویند استحقاق عقاب از زمان ترک واجب نفسی پیدا می شود. هر دو قول را به ضمیمه مبنای آن ها بیان کردیم.

کلام محقق اصفهانی

ایشان بر خلاف محقق خراسانی معتقد است استحقاق عقاب از زمان ترک مقدمه پیدا نمی شود. یعنی به محض ترک مقدمه مکلف مستحق عقاب نیست بلکه از زمانی که باید روزه بگیرد، یعنی از فجر مستحق عقاب است. مع ذلک با این که ایشان این نظر را دارد اما این مسئله را مبتنی کرده است بر یک مطلبی که آن قابل قبول نیست.

ایشان می فرماید: در این که استحقاق عقاب بر ترک واجب نفسی واقع می شود تردیدی نیست، ترک واجب غیره استحقاق عقاب ندارد ولی بحث این است که زمان استحقاق عقاب چه زمانی است؟ آیا از حین ترک مقدمه یا به تعبیر دیگر واجب غیره است، یا از حین ترک ذی المقدمه و واجب نفسی؟ ایشان می فرمایند: دو احتمال اینجا وجود دارد:

۱. از زمان ترک واجب غیری.

۲. از زمان ترک واجب نفسی.

وجه استحقاق عقاب از زمان ترک مقدمه یا واجب غیری یا در مثال ما غسل، این است که اگر ملاک ثواب و عقاب را مورد نظر ودقت قرار دهیم، ملاک ثواب و معیار ثواب دادن به یک انسان این است که شخص اتقیاد نسبت به مولا داشته باشد و در صدد امتثال اوامر مولا باشد. ملاک عقاب عبد نیز طغیان در برابر مولا و این که در صدد مخالفت با مولا باشد. یعنی بنایش بر این باشد که از وظیفه رقیبیت و عبودیت پا را فراتر بگذارد و به وظیفه خودش عمل نکند. جهت اصلی که باعث می شود کسی به خاطر کار حرام عقاب شود، حالت طغیان بنده است در برابر خدا و چون طغیان در برابر خدا دارد این طغیان او باعث می شود که مستحق مجازات شود.

حال در این بحث از چه زمانی این حالت طغیان در برابر مولا ایجاد شد؟ از زمانی که عبد مقدمه را ترک کرد، یعنی از زمانی که عبد قصد کرد مقدمه را انجام ندهد با علم به این که اگر این مقدمه را انجام ندهد ذی المقدمه نیز از او فوت می شود، طغیان این عبد از همین زمان در برابر خدا شروع شد و سر از مخالفت عملی در آورد زیرا ملاک عقاب همین طغیان بنده و خارج شدن از وظیفه عبودیتش است، لذا باید بینیم از چه زمانی این حالت شروع می شود که همان زمان را زمان استحقاق عقاب قرار می دهیم که عبارت است از زمان ترک مقدمه. این وجه برای این است که استحقاق عقاب از زمان ترک مقدمه است.

اما وجه این که زمان استحقاق عقاب زمانی باشد که خود واجب را ترک می کند، یعنی همان فجر و زمانی که باید روزه می گرفت این است که ملاک ثواب و عقاب که عبارت از آن حالت اتقیاد عبد در برابر مولا و حالت طغیان عبد در برابر مولا، فی الواقع از زمان ترک واجب پیدا می شود، تا قبل از ترک واجب عبد هنوز نسبت به واجب نفسی طغیانی نکرده است، طغیان در برابر امر نفسی به صوم موجب عقاب است وگرنه طغیان در برابر امر غیری به غسل، موجب عقاب نیست. لذا زمان استحقاق عقاب زمانی است که واجب نفسی را ترک می کند.

این دو وجهی بود که محقق اصفهانی برای این دو نظر بیان کردند. پس ایشان می گویند: اگر بگوییم زمان استحقاق عقاب همان زمان ترک مقدمه است، به این دلیل است که طغیان از آن زمان است اما اگر بگوییم زمان استحقاق عقاب زمان ترک واجب است یعنی زمانی که روزه نگرفت به این جهت است که طغیان از آن زمان پیدا شده. لذا بحث در این است که این ملاک از چه زمانی پیدا می شود. نظر ایشان همان نظر دوم است یعنی از زمان ترک واجب استحقاق عقاب پیدا می شود.^۱

بررسی کلام محقق اصفهانی

محقق اصفهانی به چند مطلب اشاره داشتند که از نظر ما نیز صحیح است.

۱. مخالفت با واجب غیری فی نفسه مستلزم عقاب نیست و اگر ترک واجب غیری مستلزم عقاب باشد به خاطر این است که منجر به ترک واجب نفسی می شود.

۲. در مقدماتی که مفوته هستند نیز ترک مقدمه و ترک واجب غیری خودش مستقلاً عقاب ندارد.

^۱ نهایه الدرایه، ج ۱، ص ۱۹۸.

۳. زمان استحقاق عقاب کسی که مقدمه را ترک کرده و بواسطه آن ذی المقدمه نیز ترک شده، از زمان ترک واجب نفسی است.

اما دلیلی که ایشان آورده و تنقیحی که از محل نزاع کرده محل اشکال است.

بیان ذلک: دلیلی که ما بیان کردیم این بود که ملاک ثواب و عقاب به حالت های درونی ما کاری ندارد و این که در درون ما منقاد باشیم یا متجری فایده ای در ثواب و عقاب ندارد بلکه ملاک ثواب و عقاب مخالفت یا موافقت تکلیف است. یعنی اطاعت و عصیان عملی، یعنی زمانی که مکلف با تکلیف عملی خود مخالفت کند مستحق عقاب می باشد. پس ملاک ثواب و عقاب و استحقاق این دو اطاعت و عصیان است. یعنی مخالفت و موافقت عملی با مامور به شرعی. دیروز بیان شد که زمان استحقاق عقاب همین زمان ترک واجب نفسی است. زیرا مکلف عملاً با این تکلیف مخالفت کرده و اطاعت مولا را نکرده و عاصی محسوب می شود و لذا مستحق عقاب است. اما محقق اصفهانی مسئله را برده روی اتقیاد و آن حالت درونی طغیان، این جا این اشکالی است که ایشان دچار شده است. اصلاً مسئله طغیان و اتقیاد بعد تأثیری در ثواب و عقاب ندارد.

البته عبارات ایشان با زحمت و تکلف قابل توجیه است. پس ضمن این که ما در آن سه مطلب با ایشان هم رای هستیم اما در این مطلب اخیر که موضوع نزاع و مبنای اختلاف را روشن شدن زمان طغیان قرار داده اند با ایشان مخالف هستیم.

تنبیه سوم: اشکال در عبادت طهارات ثلاث

آن چه که تا کنون بیان شد این بود که واجبات غیری ثواب و عقاب مستقل ندارند. یعنی کسی که می خواهد برای نماز غسل جنابت کند، طبق این مبنا غسل جنابت هیچ ثوابی نباید داشته باشد زیرا واجب غیری است نسبت به نماز؛ اما می بینیم که مسئله این چنین نیست. یا در مورد وضو که نسبت به نماز اگر واجب غیری است، نباید خودش ثواب مستقلی داشته باشد. زیرا واجب شده برای نماز و همچنین تیمم. در مورد وضو، غسل و تیمم نسبت به آن اعمالی که مشروط به این ها است یعنی نماز، طواف و روزه و برخی از عبادات، مشروط به طهارت ثلاث شده اند. طبق چهار چوبی که طراحی کردیم نتیجه اش این است که این ها ثواب مستقلی ندارند. این جا چند اشکال مطرح است.

اشکال اول: اگر بر واجبات غیری ثواب مترتب نمی شود و جنبه مقریبت ندارند پس چرا برای این ها ثواب ذکر شده است. به طور کلی واجبات غیری یک واجبات توصلی هستند و خودشان مقرب نیستند و ثواب ندارد پس چرا در مورد این طهارات این گونه نیست یعنی اگر ما بحث های قبلی را مد نظر داشته باشیم باید بگوییم نه وضو و نه غسل و نه تیمم هیچ کدام ثواب ندارند. زیرا واجبات غیری ثواب مستقل ندارند در حالی که یقیناً این طهارات ثواب دارند.

تذکر اخلاقی: قناعت به قسمت الهی

امام صادق (ع) می فرماید:

«أَقْنَعْ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَكَ، وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَا عِنْدَ غَيْرِكَ، وَ لَا تَتَمَنَّ مَا لَسْتَ نَائِلُهُ، فَإِنَّهُ مَنْ قَنِعَ شَيْعًا، وَ مَنْ لَمْ يَقْنَعْ لَمْ يَشْبَعْ، وَ خَذُ حَظَّكَ مِنْ آخِرَتِكَ»^۱

به آن چه که خداوند متعال برای تو مقرر کرده اکتفاء کن و هیچ گاه به چیزی که دیگری دارد نظر نکن.

^۱ اصول کافی، ج ۱۵، ص ۵۵۳

بخش زیادی از مشکلات ما در این است که با این فرمایش امام صادق مخالفت می کنیم و معمولاً نظر می کنیم به چیزی که نزد دیگری است. هیچ وقت تمنای چیزی که به آن نرسیدی را نداشته باشد یا آن چه که به آن نمی رسی. کسی که قانع باشد سیر می شود این روایت فقط مربوط به اکل نیست بلکه برای تمام امور زندگی است و کسی که قانع نباشد سیر نمی شود. حظ و بهره خود را از آخرت قرار بده.

این روایت در واقع بیان کننده این است که انسان چه چیزی را باید اصل قرار دهد و چه چیزی را فرع. اصل باید بهره از آخرت باشد و البته معنای این حرف این نیست که انسان برای آخرتش نباید تلاش کند بلکه باید تلاشش را بکند. هیچ کس از گوشه ای نشستن چیزی به دست نیاورده است و خداوند نیز نفرموده در خانه بنشینید و اگر روزی رسید بخورید و اگر نرسید صبر کنید تا برسد بلکه باید تلاش برای معاش باید انجام شود اما امام می فرماید بعد از تلاش هر کسی رزق و روزی در این دنیا دارد و به باید به آن قانع باشد.

انسان کارش و تلاشش را بکند و به دیگری نگاه نکند که فلان کس چه چیزی دارد و فلان کس چه چیز؛ این نظر به اطراف و ما عند غیرنا آغاز یک گرفتاری است که مانع لذت بردن از زندگی می شود زیرا همیشه احساس کمبود می کند و همیشه احساس بیچارگی می کند اما اگر نسبت به آن چه که به دست آورده قانع باشد زندگی برای او رضایت بخش تر است. شما نگاه کنید به بعضی از ثروت مندان که در بهترین منازل بهترین خوراکی ها را می خورند ولی لذت نمی برند اما شخص فقیری در گوشه ای از پارک با لذت تمام در حال خوردن یک غذای ساده است. زیرا او قانع نیست ولی این قانع است، کسی که قانع باشد سیر می شود و این سیری همان طور که گفتیم نسبت به همه چیز است. لذا این امور همه فرع و بهره گیری از آخرت اصل است.

«الحمد لله رب العالمین»